

بسم الله الرحمن الرحيم

تحلیل جامع شناختی از اغتشاشات اخیر

آنچه ملاحظه می‌فرمائید متن پیاده شده سخنرانی دکتر انتظاری رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشد که در همایش جهاد تبیین سازمان بسیج اساتید در مهرماه ایراد شده است که جهت استفاده مسئولان و اساتید شبکه ملی جهاد تبیین تقدیم می‌گردد.

میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) را تبریک می‌گویم و از برگزار کنندگان همایش که این برنامه را به موقع و به هنگام برگزار کردند و فرصتی را برای بررسی و تحلیل حوادث اخیر فراهم کردند تشکر می‌کنم بنده قرار است از منظر جامعه شناختی نکاتی را تقدیم کنم.

در مورد ناآرامی‌های اخیر در دوسطح تحلیل وجود دارد.

الف) سطح کلان:

در این سطح عواملی ذکر می‌شود که اصولاً به وقایع اخیر مربوط نیست بلکه در همه اتفاقات و رخدادها ممکن است موضوعیت پیدا کند و یکسری مسائل کلی اعم از مثبت یا منفی را در بر می‌گیرد. مهمترین آنها این است که ما یک جامعه موفق هستیم و این اتفاقات نشان می‌دهد

دهد که ما قدرتمند و موفق و هستیم و این باور را باید به خودمان مرتب بگوییم تا خدای ناکرده دچار اعوجاج نشده و برویم به سمت تبیین وقایع بر اساس نارسائی‌ها که این خیلی درست نیست. یعنی در موضعی قرار بگیریم و بگوییم چرا وضعیت این چنین شده است؟ بلکه بگوئیم ما موفق هستیم و چون موفق بودیم دشمن به روش‌های مختلف به دنبال فتنه‌گری است و موفقیت‌هایی را که در عرصه‌های مختلف در سوریه، یمن، عراق و... دشمن را عصبانی کرده است یا پیروزی‌های مختلفی که با دولت فعلی در خنثی‌سازی تحریم‌ها به دست آورده ایم و یا ارتباطاتی که با روسیه در زمینه توانمندی‌های نظامی برقرار کرده ایم یقیناً و حتماً این قدرت، دشمن را عصبانی می‌کند. یا رخداد راهپیمائی اربعین به عنوان بزرگترین اتفاق اجتماعی که در طول تاریخ رخ داده دشمن را عصبانی می‌کند و به این فکر افتاده که باید تدبیری برای این عصبانیت بکند و به قول شهید بهشتی از ما عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر یا همین سرود (سلام فرمانده) در جامعه ما و دنیا چه کاربزدگی را انجام داده است. البته در کنار این موفقیت‌ها، ما غسل‌های فراوانی هم داریم که باید حتماً با حکمرانی مثبت، عاقلانه و مدبرانه آن‌ها را درمان کنیم برخی از این غسل‌ها به عنوان مثال این است که از بعد از مشروطه ظرف قانونگذاری در این کشور متزلزل است و ما در واقع یک فرایندی را دنبال کردیم که دولت و ظرف قانونگذاری مشکلات اساسی دارد که حالا وقت وارد شدن به اینها نیست یا ساختار سنتی مدارس و دانشگاهها که باید اصلاح شود یا انسدادهای اجتماعی فراوانی داریم که ساز و کار جدی برای رفع آنها وجود ندارد یا یکی از مهمترین مشکلات ما رویکرد واقع‌گرایانه دولتها بعد از انقلاب است

(همه دولت‌ها)، حالا به قبل از انقلاب کاری ندارم، مشکل رویکرد واقع گرایانه چیست؟ ما فکر می‌کنیم اگر اقدامی در جهت برقراری عدالت کردیم، یعنی عدالت را برپا کرده ایم یا فکر می‌کنیم اگر اقدامی در جهت رفاه اجتماعی کردیم، رفاه اجتماعی را ایجاد کرده ایم. حال آن که اگر شما برای عدالت هزینه بکنید ولی مردم تصور عدالت برایشان حاصل نشود، شما به نتیجه نرسیده اید. یعنی چه؟ یعنی ما به ذهنیت مردم، کمتر از واقعیت مردم توجه کرده ایم. درحالی که ذهنیت از واقعیت مهمتر است.

حضرت موسی در برابر فرعون چه کسانی را مخاطب قرار داد؟ مخاطب های اصلی ایشان جادوگرهای فرعون بودند. آن‌ها را وادار به سجده کرد و قوم بنی اسرائیل را نجات داد، زیرا اهمیت ذهنیت بالاتر از واقعیت است. ما در فرایندها و فرآیندها و نشیب‌های مختلف بعد از انقلاب اسلامی بیشتر به واقعیت توجه کردیم و توجه نکردیم که مخاطب ما چه تصویری از این اقدامات ما دارد. الان اقدامات بسیار زیادی در دولت رئیسی انجام شده ولی توسط مردم این اقدامات احساس نشده است و این تحولی است که باید در ما اتفاق بیافتد یعنی در حکمرانی باید به ذهنیت مردم بیش از گذشته توجه کنیم. نکاتی دیگری را هم می‌شود در موردش صحبت کرد مانند بروکراسی ناکارآمد، نظام بانکی و پولی مختل کننده، رویکرد فیزیکی به جای رویکرد فرهنگی که باز به همین ذهنیت بر می‌گردد.

ب) سطح خرد و انضمامی:

مطالب قبلی کلیات بود است که هر واقعه ای را می تواند تبیین کند که خیلی وارد جزئیات آن نشدیم اما در سطح خرد که بیشتر نزدیک به واقعیت است و می تواند تبیین کننده باشد در واقع معطوف به تجربه کرونا است. در دوران کرونا، شرایطی به وجود آمد که کاملاً منفعل عمل کردیم، گفتیم حالا که شرایط این چنین شده پس مدارس، دانشگاهها، ادارات و... را تعطیل کنیم و این کار را کردیم اما چه اتفاقی افتاد؟ در اثر تعطیلی مدارس و مجازی شدن دانشگاهها و مدارس، نوجوانان و جوانان خودمان را، بدون اینکه از نظر تکنولوژیکی و سواد رسانه ای که بسیار مهم است و بایستی برای این مرحله می داشتیم و نداشتیم بچه هایمان را به سمت فضای مجازی هل دادیم، بدون آمادگی پدر و مادر و... وارد این عرصه شدیم. ما چه اقدامی برای مجهز کردن والدین در این فضا انجام دادیم؟! همینطوری اینها را در فضای مجازی رها کردیم. و تجربه رها کردن بیش از ۲ سال در فضای مجازی این شرایط را بر نوجوانان، جوانان و دانشجویان و حتی کارکنان به وجود آورد و باعث شد که انفعال و رخوت حاکم بشود و حالا بعد دو سال وقتی به اینها می گوئیم برگردید سرکار و مدرسه و دانشگاه، مقاومت می کنند.

از طرف دیگر وقتی اینها رفتند در شرایط متفاوتی که بر خلاف روال عادی بود برای خودشان تدابیری ایجاد کردند که به سادگی قابل تنظیم با شرایط جدید نیست. و از طرف دیگر و مهمتر این که این امکان را فراهم کردیم که همه کشور فریاد می کشید پیش به سوی

مجازی شدن یعنی داده ها را تولید کردیم، کلان داده ها را تولید کردیم و در اختیار سرورهای دشمن قرار دادیم و مدیریت کلان داده ها در حالی اتفاق می افتد که ما کمترین دانش را در مورد آن نداریم و کمترین پیش بینی در مورد آن نداریم که آنها از طرق مختلف شبیه سازی و پیدا کردن الگوریتم رفتار مردم ما به راحتی با محرک هایی تغییر دهند و واکنش های پیش بینی شده ای را به وجود بیاورند که ما اینها را پیش بینی نکرده بودیم و از این جا به بعد سبک زندگی ما در معرض خطر فرار می گیرد. ما از این به بعد در معرض اینگونه خطرها هستیم چون دائماً در حال تولید کلان داده هایی هستیم که در سرورهای دشمن در حال مدیریت است. علوم اجتماعی محاسباتی، علوم شناختی و.... اینها همه دارند کار می کنند تا بتوانند سبک زندگی همه جای دنیا از جمله ایران را مدیریت کنند و می دانند باید از چه محرک هایی استفاده کنند.

اتفاقی که در شرایط کرونا افتاده مانند این است که ما سوار یک خودرویی بودیم و این خودرو در حال حرکت بود و تصادف کرد وقتی که تصادف کرد ما بدون اینکه ببینیم مشکل اصلی تصادف چیست و چه آسیبی به این خودرو رسیده دوباره استارت زدیم و حرکت کردیم. چرا بدون دانش و بررسی همان موتور راه انداختیم؟ این را دست کم نگیریم البته درست است که دشمن دارد مدیریت می کند و از این گسل ها بهره برداری می کند اما توجه داشته باشیم که ما خودمان این موقعیت را در اختیار دشمن قرار داده ایم و نیامدیم این خودرو را بررسی کنیم که حرکت مجدد با آن چه پیامدهایی ممکن است داشته باشد یک اصطلاحی در دوران کرونا به وجود آمد که خیلی جالب است به نام

فاصله اجتماعی که باید فاصله اجتماعی را رعایت کنیم! چرا فاصله اجتماعی؟ چرا گفته نشد فاصله فیزیکی! من نمی دانم و نمی توانم بگویم حتما توطئه ای در کار بوده است اما فاصله اجتماعی یعنی اتفاقی که افتاد. اتفاقی که در دوران کرونا افتاد این بود به دلیل فاصله اجتماعی، به دلیل احتراز از مناسبات و روابط رو در رو به دلیل شرکت نکردن در مناسبت‌های اجتماعی، ختم، عروسی و میهمانی و... که مردم ما به اینها عادت داشتند متأسفانه این واقعیت اجتماعی به شدت محدود و کم شد و هنگامی که واقعیت اجتماعی تضعیف شود واقعیت روانی برجسته می شود و قدرت پیدا می کند و از این جا است که می توانیم هیجانات را تبیین کنیم که چرا این جوانان دچار این هیجانات شدند و حرف‌های رکیک می زنند و چرا اینطوری صحبت می کنند؟ علت در همین واقعیت اجتماعی است که تضعیف شده است و همین اتفاق هم در خصوص هویت نیز افتاده است. ببینید ما یک هویت واقعی و یک هویت مجازی داریم که در همین تجربه حضور در شبکه های اجتماعی و مجازی بود که ما هویت مجازی پیدا کردیم. همه شما در جامعه و دانشگاه و مناسبات واقعی تان یک هویت واقعی دارید و یک هویت مجازی هم دارید. نسبت بین این دو خیلی اهمیت دارد وقتی هویت مجازی بر هویت واقعی غلبه پیدا می کند شرایطی به وجود می آورد که افراد بدون در نظر گرفتن مناسبات سنتی و تجربیات جامعه پذیری قبلی خودشان به رفتارهایی مبادرت می ورزند که باعث تعجب شما می شود که یک دانشجو چطور می شود که به استادش چنین اهانت می کند؟ تعجب می کنید و با دوران دانشجویی خودتان مقایسه می کنید که ما اساتیدی را داشتیم که مسئله دار بودند اما علی رغم

انتقادهایی که به آنها داشتیم ولی همیشه جلوی آنها تواضع داشتیم اما حالا چرا این دانشجو که حتی من استاد را نمی شناسد حرف های رکیک می زند؟ این بخاطر از بین رفتن توازن هویت مجازی و واقعی است که در این دوران اتفاق افتاده است(عوامل دیگر هم در جای خودش).

اکنون مسئله این است که باید چه کار کرد؟ بنده یک الگویی را پیشنهاد می کنم و آن این است که ما باید با یک انگاره گفتمانی مسائل را حل کنیم. مسئله ما الان دقیقا این است که مواجهه ما با غرب مثل بازی شطرنج است. به عنوان مثال الان یک حرکتی می کنیم مثلا می رویم در اربعین، سوریه و...به هر حال یک حرکتی می کنیم و قطعا طرف مقابل هم مهره خودش را حرکت می دهد می خواهیم بگویم که ما نیاز داریم به رسانه ای شدن این بازی شطرنج یعنی باید مردم، جوانان و دانشجویان ما، متوجه باشند که در حال یک بازی شطرنج هستیم وقوف نسبت به این موضوع و مردمی کردن این بازی شطرنج از نظر گفتمانی و هژمونی کردن آن به ما کمک می کند که این موضوع را رسانه ای کنیم و بگوئیم که ما چه نوع مواجهه ای با غرب داریم؟ آقا یا خانمی که الان در خیابان آمده ای شما کدام یک از این مهره ها هستی؟ در صفحه شطرنج چه نقشی داری؟ یا استادی که در حال تردد به خارج از کشور هستی شما در این بازی چه نقشی داری و کدام مهره شطرنج هستی؟ این موضوع بسیار اهمیت دارد در تقویت انگاره ای که ما بتوانیم به درستی دشمن را در اذهان دانشجویان خودمان در سر جای خودش معرفی کنیم.

یک مورد دیگر فرار از احساس باخت است. موقعیت باخت موقعیتی است که به راحتی در آن آچمز شویم و به محض این که به نقد درونی کردن پرداختید یعنی پذیرفته اید که باخته اید تعجب می‌کنم که بسیاری از اساتید که در ادعای انقلابی بودن و ولایی بودن دارند اما شروع می‌کنند به ریشه یابی باخت این نقد باخت باید برگردد به این که ما در موقعیت مبارزه و پیروزی هستیم و اگر اقدامی انجام می‌دهیم این اقدام در جهت تدبیر برای تعیین استراتژی برد باید باشد نه اینکه باخت را خودمان بپذیریم.

آخرین نکته این است که ما تا چه زمانی می‌خواهیم در رینگ بوکس بمانیم و مشت بخوریم؟ دشمن آمده و این بلا را سر ما آورده که ما حالا باید از خودمان دفاع کنیم و این یعنی پدافند! پس آفند کجاست؟ ما امکانات و نقاط قوت بسیار وسیعی داریم که می‌توانیم توسط آنها بر علیه دشمن برنامه ریزی کنیم. گسل‌ها و چالش‌های دشمن خیلی بیشتر از ما است و باید آفندی و تهاجمی عمل کنیم. با این همه توان گفتمانی و مهاجر خارج از کشور و دانشجویان فعال، مقاوم و جسور چه اقدامی برای فعال کردن گسل‌های آمریکاییها می‌کنیم؟ کار بسیج، بسیج کردن توان کشور در جهت آفند دشمن است و نه فقط پدافند که آفند در درون خودش پدافند را هم دارد و ما باید با یک تغییر رویکرد از حالت انفعال به حالت فعال تبدیل شویم. انشالله. امیدوارم موفق باشید و از این شرایط نیز مانند گذشته با پیروزی و سرافرازی خارج شویم و آن را به یک فرصت برای نظام تبدیل کنیم.